

اسپانیا و برخی کشورهای آمریکای لاتین در صف حمایت از فلسطین پیشتازی می‌کنند

حالا مادرید



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

امروزمی‌توان اسپانیا را به‌عنوان پرکارترین کشور اروپایی در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی و حمایت از فلسطین شناخت. این کشور تحت رهبری «پدرو سانچز» با حمایت از پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری، اعمال تحریم‌های تسلیحاتی به ارزش یک میلیارد یورو و پشتیبانی از ناوگان جهانی صمود برای شکست محاصره غزه و مواضع ضد صهیونیستی حساسی گرد و خاک به پا کرده است. علاوه بر بخش دولتی، نظرسنجی هانشان دهنده حمایت ۷۸ درصدی مردم اسپانیا از شناسایی فلسطین و محکومیت ۸۲ درصدی نسل‌کشی در غزه است. در آمریکای لاتین هم گوستاوو پترو، رئیس‌جمهور کلمبیا، در مجمع عمومی اخیر سازمان ملل، فراخوان تشکیل نیروی نظامی جنوب جهانی برای آزادسازی فلسطین داد و برای ثبت‌نام داوطلبان «ارتش نجات جهانی» اعلام آمادگی کرد. «لولا داسیلوا»، رئیس‌جمهور برزیل هم با بوسیدن پشانی پترو در مجمع، حمایتش را اعلام کرد. در همین حال ناوگان جهانی «صمود» با بیش از ۴۴ کشتی در نزدیکی غزه پیش می‌رود و فارغ از اقدام احتمالی رژیم صهیونیستی تا ۴ روز دیگر به نوار غزه می‌رسد.

تنها کارمفید کشورهای عربی در قبال فلسطین

روابط اسپانیا با جهان عرب به‌دوره‌ای بازمی‌گردد که بخش‌هایی از شبه‌جزیره «ایبری» بین سال‌های ۷۱۱ تا ۱۴۹۲ میلادی تحت حاکمیت اسلامی، معروف به «اندلس»، قرار داشت. این دوره نه‌تنها تأثیر عمیقی بر فرهنگ، معماری و زبان اسپانیا گذاشت، بلکه حس نوستالژی و پیوند فرهنگی با جهان عرب را در میان برخی از نخبگان عرب ایجاد کرد. این پیوندهای تاریخی به اسپانیا کمک کرد تا در دوران مدرن روابط نزدیکی با کشورهای عربی برقرار کند که این روابط به نوبه خود بر حمایت این کشور از فلسطین تأثیر گذاشت.

پس از جنگ جهانی دوم، رژیم «فرانکو» در اسپانیا که به دلیل حمایت ضمنی از نیروهای محور در انزوای دیپلماتیک قرار داشت، به دنبال ایجاد اتحاد‌های جدید بود. در این راستا، روابط با کشورهای عربی، به‌ویژه پادشاهی‌های اردن، عربستان سعودی و مصر، تقویت شد. این کشور ها منابع حیاتی مانند نفت و غذا را تأمین کردند و از ورود اسپانیا به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۵ حمایت کردند. به عنوان مثال، بازیدیه پادشاه «عبدالله اول» اردن در سال ۱۹۴۹ از اسپانیا، اولین دیدار یک رئیس‌ولت از این کشور پس از جنگ داخلی اسپانیا بود. این روابط نه‌تنها به رفع انزوای بین‌المللی اسپانیا کمک کرد، بلکه بستری برای حمایت از آرمان فلسطین در دهه‌های بعدی فراهم آورد. ششاید این تنها اقدام خوبی بود که کشورهای عربی در قبال فلسطین انجام دادند.

شناسایی خوش‌هنگام فلسطین

برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی که پس از کشف «هولوکاست» و تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به‌سرعت آن را به رسمیت شناختند، اسپانیا تا سال ۱۹۸۶، پس از پیوستن به جامعه اقتصادی اروپا (EEC)، اسرائیل را به رسمیت نشناخت. این تأخیر تا حدی به دلیل انزوای دیپلماتیک اسپانیا در دوره فرانکو و تمرکز این رژیم بر روابط با جهان عرب بود. حتی پس از برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل، اسپانیا روابط نزدیک خود با جنبش آزادی‌بخش فلسسطین (PLO) را حفظ کرد. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۷۹، نخست‌وزیر «دونلوفو سوزا» یکی از اولین رهبران اروپایی بود که با «یاسر عرفات»، رهبر جنبش آزادی‌بخش فلسطین دیدار کرد، در حالی که این سازمان در بسیاری از کشورهای غربی به‌عنوان یک گروه تروریستی تلقی می‌شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات اسپانیا در حمایت از فلسطین، به رسمیت شناختن رسمی آن به‌عنوان یک دولت در تاریخ ۲۸ مه ۲۰۲۴ بود. این تصمیم به همراه ایرلند و نروژ اتخاذ شد و به‌عنوان یک حرکت تاریخی در ارو پا مورد توجه قرار گرفت. «خوزه مانوئل آلبارس» وزیر امور خارجه اسپانیا تأکید کرد که این به رسمیت شناختن، بخشی از تلاش برای ایجاد یک دولت فلسطینی «واقعی و قابل اجرا» است که شامل غزه و کرانه باختری با پایتختی بیت‌المقدس شرقی باشد.

این اقدام با اسپانیا و آواکشت تند اسرائیل مواجه شد. «اسرائیل کاتز»، وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر، این تصمیم را به‌عنوان «تحریک به نسل‌کشی یهودیان» محکوم کرد و سفیران خود را از «مادرید»، «دوبلین» و «اسلو» فراخواند. با این حال، اسپانیا به این اتهامات پاسخ داد که حمایت از فلسطین به معنای حمایت از حماس نیست و این کشور به‌طور صریح حملات حماس در اکتبر ۱۷ تا ۲۰۲۳ را محکوم کرده است.

حمایت از پرونده‌های حقوقی علیه اسرائیل

اسپانیا همچنین در حمایت از پرونده‌های حقوقی بین‌المللی علیه اسرائیل پیشگام بوده است. این کشور از پرونده نسل‌کشی مطرح توسط آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در اکتبر ۲۰۲۴ حمایت کرد. این اقدام به‌عنوان

اولین گام یک کشور اروپایی در پشتیبانی از این پرونده انجام شد. علاوه بر این، اسپانیا قطعنامه‌ای را در سازمان ملل ارائه کرد که محاصره غزه توسط اسرائیل و خشونت در سرزمین‌های فلسطینی را محکوم می‌کند و خواستار پایان دادن به خشونت و دسترسی به کمک‌های بشردوستانه بود.

لغو قرارداد یک میلیارد یورویی با اسرائیل

اسپانیا در سپتامبر ۲۰۲۵ مجموعه‌ای از برنامه‌ها علیه اسرائیل را اعلام کرد که شامل تحریم کامل تسلیحاتی بود. پدروسانچز هدف از این برنامه‌ها را توقف نسل‌کشی در غزه و حمایت از مردم فلسطین توصیف کرد. این اقدامات شامل «منوعیت واردات از شهرهای اشغالی در کرانه باختری» و «لغو قراردادهای تسلیحاتی با اسرائیل به ارزش نزدیک به یک میلیارد یورو» بود. به‌عنوان مثال، قرارداد خرید «راکت‌اندازهای PULS» از شرکت اسرائیلی Elbit در اکتبر ۲۰۲۳ لغو شد. به این ترتیب عزم اسپانیا برای اعمال فشار اقتصادی بر اسرائیل به‌منظور تغییر سیاست‌های آن در قبال فلسطینیان جزم‌تر می‌شد. علاوه بر این، سانچز متعهد شد که ۱۰ میلیون یورو به آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (UNRWA) و در مجموع «۱۵۰ میلیون یورو» کمک بشردوستانه به غزه تا سال ۲۰۲۶ اختصاص دهد.

بدرقه ناوگان حصر شکن

یکی از اقدامات مهم و تازه اسپانیا در حمایت از فلسطین، تصمیم این کشور (به همراه ایتالیا) برای اعزام کشتی‌های نیروی دریا به منظور اسکورت ناوگان صمود جهانی به سمت غزه در سپتامبر ۲۰۲۵ بود. این ناوگان، متشکل از بیش از ۵۰ قایق، با هدف شکستن محاصره اسرائیل در غزه و رساندن کمک‌های بشردوستانه به این منطقه حرکت کرد. پیش از این نیز حرکت‌های مشابهی برای شکست حصر غزه صورت گرفته بود که به دلیل انفرادی بودن، توسط ارتش اسرائیل سرکوب می‌شد. الجزیره گزارش داده است که «آهویلا» و «اولا این» به‌عنوان کشتی‌های پیشرو، تا ظاهر روز دوشنبه، حدود ۴۴۶ مایل دریایی (۵۸۹ کیلومتر) با غزه فاصله دارند و انتظار می‌رود طی ۳ تا ۴ روز آینده به مقصد برسند. این روزها ناوگان در منطقه پر خطری قرار دارد. رژیم صهیونیستی برای مقابله با ناوگان آماده می‌شود و احتمال تکرار اقدامات خصمانه علیه کشتی‌ها وجود دارد.

اسرائیل را هم از رویدادهای ورزشی محروم کنيد

دولت اسپانیا، به‌ویژه تحت رهبری سانچز، بارها اقدامات اسرائیل در غزه را به‌عنوان نسل‌کشی محکوم کرده است. سانچز در سخنرانی در مجمع عمومی اخیر سازمان ملل، خواستار عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل شد و خشونت‌های اسرائیل را محکوم کرد. او تأکید کرد که به رسمیت شناختن فلسطین به‌تنهایی کافی نیست و باید اقدامات فوری برای توقف درگیری‌ها انجام شود. خوزه مانوئل آلبارس نیز اظهار داشت که اسپانیا به دلیل اعتقاد به این‌که «جنگ» و خشونت راحل طبیعی برای روابط در خاور میانه نیست»، علیه اقدامات اسرائیل موضع گرفت. اسپانیا همچنین خواستار تحریم‌های ورزشی علیه اسرائیل شد و پیشنهاد کرد که این موجودیت به دلیل اقداماتش در غزه، از رویدادهای ورزشی بین‌المللی محروم شود؛ همان‌طور که دوسیه به دلیل حمله به اوکراین محروم شد.

اسرائیل مواضع اسپانیا را محکوم کرده و مثل سابق آن‌ها را به «یهودستیزانه» چسبانده است. «گیدئون سار»، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، دولت سوسیالیستی سانچز را متهم به دنبال کردن یک «خط خصمانه و ضداسرائیلی» کرد. همچنین پس از به رسمیت شناختن فلسطین، اسرائیل کنسولگری اسپانیا در بیت‌المقدس را از ارائه خدمات در کرانه باختری منع کرد.



۸۲ درصد جامعه اسپانیا علیه نسل‌کشی

حمایت از فلسطین در اسپانیا تنها به سطح دولتی محدود نمی‌شود و افکار عمومی نیز به‌شدت از آرمان فلسطین حمایت می‌کند. بر اساس نظرسنجی مؤسسه «الکانو رویال» در ماه مه ۲۰۲۴، ۷۸ درصد از مردم اسپانیا معتقدند که کشورهای اروپایی باید فلسطین را به‌عنوان یک دولت مستقل به رسمیت بشناسند.

همچنین ۸۲ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که اسرائیل در غزه مرتکب نسل‌کشی شده است. این حمایت گسترده در میان احزاب سیاسی مختلف، از جمله احزاب چپ و راست، دیده می‌شود و احزاب چپ مانند «Suma»، «PSOE» و «Podemos» حمایت‌قوی‌تری نشان داده‌اند.

این حمایت عمومی به‌صورت واضح در تظاهرات گسترده در شهرهای مختلف اسپانیا، از جمله مادرید، بارسلونا و والنسیا، مشهود است. در سپتامبر ۲۰۲۵، فعالان فلسطینی در جریان مسابقه «وولنتا» اسپانیا با برافراشتن پرچم‌های فلسطین و ایجاد اختلال در مسابقه، به حضور تیم اسرائیلی اعتراض کردند.

حمایت از فلسطین در اسپانیا تا حدی تحت تأثیر هویت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در مناطق «باسک» و «کاتالونیا»، قرار دارد. این مناطق کم‌تاری جنبش‌های استقلال‌طلبانه هستند، با وضعیت فلسطینیان به‌عنوان مردمی که تحت اشغال سرکوب قرار دارند هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. این هم‌ذات‌پنداری به تقویت حمایت از فلسطین در این مناطق کمک کرده و به دولت سانچز که از حمایت احزاب جدایی‌طلب باسک و کاتالان در پارلمان بر خوردار است، قدرت بیشتری برای اتخاذ مواضع قاطعانه در قبال فلسطین داده است.

اسپانیا به همراه ایرلند و نروژ پیشگام در به رسمیت شناختن فلسطین و محکومیت اسرائیل بوده است. این کشور همچنین میزبان نشست‌هایی مانند گروه مارید (G+۵) در ماه مه ۲۰۲۵ بود که در حضور کشورهای اروپایی و عربی برگزار شد تا فشار بر اسرائیل برای توقف تهاجم به غزه بیشتر شود.

غوغای لاتینی

کشورهای آمریکای لاتین، به‌ویژه کلمبیا و برزیل هم در سال‌های اخیر مواضع قاطع و مثبتی در حمایت از آرمان فلسطین اتخاذ کرده‌اند که نمادی از همبستگی جنوب جهانی با مردم تحت‌ستم است.

گوستاوو پترو، رئیس‌جمهور کلمبیا، در سخنرانی اخیر خود در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل از کشورهای جنوب جهانی خواست تا نیروی نظامی قدرتمندی برای حفاظت از مردم فلسطین و دفاع از بشریت تشکیل دهند. او تأکید کرد که کشورهایی که قتل‌عام‌رانی پذیرند، باید «ارتش مسلح برای دفاع از جان فلسطینیان» بسیج کنند. پترو خطاب به حضارن گفت: «ما به ارتش قدرتمندی نیاز داریم… تسلیحات و نیروهای نظامی را گرد هم آورید. ما باید فلسطین را آزاد کنیم.» او واشنگتن و ناتو را متهم به کشتن دموکراسی و احیای استبداد کرد و از ضرورت برافراشتن پرچم «آزادی یا مرگ» با رنگ سفید صلح سخن گفت. در پی این سخنان، هیئت آمریکا جلسه را ترک کرد.

پترو فراتر رفت و در اجتماع حامیان فلسطین در نیویورک اعلام کرد که کلمبیا ثبت‌نام از افراد با تجربه نظامی برای پیوستن به «ارتش نجات جهانی» را آغاز می‌کند. او حتی خودش را آماده رفتن به میدان نبرد دانست و تأکید کرد که بسیج نباید محدود به دولت‌ها باشد، بلکه مردم باید مشارکت کنند. پترو امیدوار است میلیون‌ها نفر برای آزادی فلسطین بجنبند تا صدای ترامپ و تائیا هو خاموش شود. لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، تحت تأثیر این مواضع قرار گرفت و پس از سخنرانی پترو، با فاصله به جایگاه او رفت و پشانی اش را بوسید.

تحركات رژيم واقعيت‌ها واحتمال‌ها

ادامه از صفحه یک

به صورت غیررسمی و نانوشته، بحران مالی ایالات متحده در سال ۲۰۰۸ میلادی به عنوان نقطه کانونی ورود جهان به دوران گذار نظام بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. نگاهی به رفتار قدرت‌های بزرگ و سسایر بازیگران عرصه جهانی بعد از این سال نشان می‌دهد یک باور عمومی در میان اندیشمندان روابط بین‌الملل نسبت به مسئله گذار نظام بین‌الملل به وجود آمده و اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها، رفتارهای خود را با توجه به وقوع این رویداد تنظیم کرده‌اند. زمینه‌چینی مسکو برای جنگ اوکراین و طراحی یکن برای طرح بلندپروازانه «ایتکار جاده و کمر بند»، از جمله اقداماتی هستند که نشان از تلاش قدرت‌های بزرگ برای ارتقای سطح قدرت خود در دوران گذار و تثبیت آن در نظام بین‌الملل بعدی دارد؛ چراکه یکی از ویژگی‌های مهم دوران گذار نظام بین‌الملل، بی‌معناشدن هنجارهای پیشین - نظیر تمامیت ارضی، امور داخلی واحدهای سیاسی و غیره - است.

در چنین شرایطی، اسرائیل هم به عنوان بازیگر کلیدی در حفظ و تقویت نظم امنیتی آمریکامحور در غرب آسیا به دنبال ارتقای بازیگری و تأثیرگذاری خود در این منطقه است. با این حال، تحولات سال‌های اخیر و پس از امضای پیمان ابراهیم -ازجمله بالا گرفتن اختلافات میان ریاض و واشنگتن - می‌تواند مؤید این مسئله باشد که علنی‌سازی روابط کشور‌های عربی با اسرائیل و مشخص‌شدن رویکرد کشورهای عربی و غیرعربی - به طور خاص ترکیه - نسبت به اسرائیل، موجب همگرایی و پذیرش بیش از پیش محور مقاومت در میان افکار عمومی منطقه غرب آسیا شده است. بررسی بسیاری از شاخص‌های مورد نظر در تحول منظره امنیتی در غرب آسیا نشان می‌دهد اهدافی که در پیمان ابراهیم مدنظر بود به طور کامل اجرا نشده است. به عنوان مثال، یکی از مسائل بسیار ناراحت‌کننده برای جبهه مقاومت در دهه گذشته، فاصله گرفتن «حماس» از این جریان بود؛ به‌طوری‌که این گروه در بحران سوریه و رویدادهای منتهی به جنگ داخلی و همچنین حضور گروه‌هایی مانند داعش و جبهه النصره در این معرکه، در مقابل سیاست‌های کلان شبکه مقاومت قرار گرفت و خواهان تغییر در نظام این کشور با اسرائیل و آشکارشدن سازش رهبران عرب با تل‌آویو در پیمان ابراهیم، گروه‌های مقاومت فلسطینی کاملاً اهمیت رفتار شبکه‌ای را درک کرده و در همین راستا، عملیات «طوفان الاقصی» را طراحی و اجرایی کردند. راهبرد اسرائیل در واکنش به هفتم اکتبر، اتخاذ سیاست «بازی با ریسک بالا» بود. اقداماتی که رژیم به صورت

هم‌زمان و در کوتاه‌مدت علیه غزه، لبنان، سوریه، یمن، ایران و حتی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس - نظیر قطر - انجام داد، از منطف «بازیگر عقلائی» تبعیت نمی‌کند؛ بلکه مبتنی بر راهبرد «مرد دیوانه» یا همان بازی با ریسک بالاست. در واقع، تحلیلگرانی که با محاسبات عمومی و تاریخی مبتنی بر منافع ملی به دنبال تحلیل رفتار پیش‌روی اسرائیل هستند و بر همین مبنا هرگونه اقدام مجدد نظامی اسرائیل علیه تهران را «غیر منطقی» و به تبع آن، با احتمال کم ارزیابی می‌کنند، عاملی مهم فوق‌را نادیده می‌گیرند. دولت رژیم و کابینه بنیامین نتانیاهو، وضعیت کنونی منطقه غرب آسیا را «تهدید هویتی و ماهیتی» ارزیابی می‌کند و بر همین مبنا، دست به بازی با ریسک بالا زده است. موفقیت نسبی اسرائیل در اتخاذ این راهبرد اگر چه در جنگ ۱۲ روزه به دیوار سخت ایران برخورد کرد؛ اما به قدری برای صهیونیست‌ها جذابیت دارد که به دنبال ادامه آن باشند؛ چراکه اگر چه احتمال موفقیت در آن زیاد نیست؛ اما در صورت موفقیت، دستاورد عظیمی نصیب نظم امنیتی آمریکامحور در غرب آسیا می‌شود که با منطقی بازی با ریسک بالا همخوانی دارد.

نگاه‌سی به رویدادهای میدانی هم این گزاره را تقویت می‌کند که اسرائیل با همراهی عملیاتی ایالات متحده، به دنبال تثبیت برتری استراتژیک خود در مجموعه امنیتی غرب آسیاست. تعداد لانچر‌های سامانه‌های پدافندی «تاد» که در سرزمین‌های اشغالی مستقر هستند، در همین هفته اخیر با رشد حدود ۷۰ درصدی همراه بوده و از شش عدد به ۱۰ لانچر رسیده است. همچنین با تجربه گرفتن از درس‌های واکنش تسلیحاتی تهران در جنگ قبلی، ذخایر تسلیحاتی رژیم برای تیرهای طولانی‌تر آماده شده است. برخی تحلیلگران، اقدامات اخیر اسرائیل علیه دوحه و آنکارا را نیز نوعی هشدار به کشورهای منطقه برای فاصله گرفتن از همکاری با تهران در جنگ بعدی ارزیابی کرده‌اند.

در چنین شرایطی، ایران هم باید چهارچوب‌های کلیشه‌ای رایج در حوزه سیاست خارجی را که مرتبط با دوران پیشین نظام بین‌الملل است، کنار گذاشته و مسیر تأمین منافع ملی خود را از راه بازی با ریسک بالا فراهم کند. اقدامی که دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی کشورمان برای مدیریت خلع سلاح مقاومت در لبنان انجام داد، نمونه‌ای از اتخاذ موفقیت‌آمیز این راهبرد بود که پرونده تضعیف شبکه مقاومت در منطقه را از اولویت‌های بیروت خارج کرد. زمینه‌سازی برای همکاری راهبردی با مسکو و یکن -که راینی‌هایی را تا مراحل بالا هم به دنبال داشته - هم یکی دیگر از اقدامات ضروری برای انجام در زمان کوتاه است.

در این زمینه باید جسورانه تأکید کرد که «قالب‌های پیشین» نمی‌توانند امنیت ملی ایران را تأمین کنند و باید «طرح نو» - که حتی می‌تواند شامل مدل‌متهم‌هایی برای قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی باشد - را در زمانی بسیار کوتاه عملیاتی کرد. منظور از این عبارت، بررسی برخی پیشنهاد‌ها در زمینه همکاری‌های سطح بالاتر نظامی کشورمان با کشورهای روسیه و چین - نظیر احداث پایگاه نظامی و امضای توافق امنیتی راهبردی دوجانبه با یکن و مسکو - است که در شرایط کنونی و به دلیل مغایرت با قانون اساسی در حوزه نظامی، قابل اجرا شدن نیست ولی با طراحی یک متمم و تصویب آن از طریق سازوکارهای قانونی کشور، امکان عملیاتی شدن خواهد داشت؛ چراکه جنگ بعدی اسرائیل با ایران، هیچ شباهتی به جنگ ۱۲ روزه نخواهد داشت و نمی‌توان و نباید با همان راهبردها - که البته موفق بودند و مانع از اجرایی‌شدن اهداف طرف اسرائیلی شدند ولی کارایی‌شان مربوط به همان زمان است - به مقابله با عملیات نظامی تل‌آویو پرداخت.

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

سه شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴

شماره ۴۵۱۸

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

۹ چالش حل‌شدنی استارت‌اپ‌ها

ادامه از صفحه یک

۲. قوانین ومقررات پیچیده

بوروکراسی پیچیده: کسب و کارهای نو پا با استارت‌آپی با بوروکراسی‌های پیچیده اداری و قانونی مواجهند که بسیار زمان‌بر و هزینه‌زا است.

نبود قوانین شفاف و حمایتی: به‌طور معمول، قوانین شفاف و خاصی برای حمایت از کسب‌وکارهای استارت‌آپی وجود ندارد و عمدتاً از محل قوانین و مصوبات سایر تسهیلات مصوب، بعضاً پرداختی‌های ناچیزی صورت می‌گیرد و این باعث عدم اعتماد به نهادهای دولتی و ترس از ناپایداری در فضای کسب‌وکار می‌شود.

۳. چالش‌های مربوط به جذب ونگهداشت نیروی انسانی

نبود نیروهای ماهر و متخصص: کمبود نیروی کار ماهر در حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، طراحی، مارکتینگ و فروش، چالشی جدی برای کسب‌وکارهای نو پا و استارت‌آپ‌ها است.

رقابت با شرکت‌های بزرگ‌تر: استارت‌آپ‌ها مجبورند برای جذب و نگهداشت نیروهای با استعداد با شرکت‌های بزرگ‌تر که حقوق و مزایای بالاتری ارائه می‌دهند، رقابت کنند.

۴. کمبود دسترسی به بازارهای جهانی

تحریم‌ها: تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بین‌المللی، دسترسی این گونه کسب‌وکارها به بازارهای جهانی و منابع مالی خارجی را محدود کرده است. همچنین، این تحریم‌ها باعث شده بسیاری از استارت‌آپ‌ها نتوانند به راحتی از پلتفرم‌های

بین‌المللی برای تبلیغات، فروش یا جذب سر مایه استفاده کنند.

پلتفرم‌های جهانی: دسترسی به اکثر سرویس‌ها و پلتفرم‌های جهانی برای استارت‌آپ‌های ایرانی محدود است.

۵. نبود اکوسیستم حمایتی وشبکه‌سازی قوی

کمبود شتاب‌دهنده‌ها و مراکز نوآوری: اگرچه برخی شتاب‌دهنده‌ها و مراکز نوآوری طی این سال‌ها شکل گرفته و مشغول کارند؛ اما تعداد و کیفیت آن‌ها نسبت به کشورهای دیگر هنوز به‌طور قابل توجهی کمتر است.

نبود ارتباطات وشبکه‌های حرفه‌ای: بسیاری از استارت‌آپ‌ها از شبکه‌های حرفه‌ای و مشاوره‌ای برای رشد و توسعه باز می‌مانند و این می‌تواند موجب افت کیفیت و رشد کند آن‌ها شود.

۶. تغییرات اقتصادی واجتماعی

نوسانات اقتصادی: تغییرات سریع وغیرقابل پیش‌بینی در وضعیت اقتصادی مثل تورم، تغییرات نرخ ارز یا بحران‌های اقتصادی، تأثیرات منفی زیادی بر استارت‌آپ‌ها دارد و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را دچار مشکل می‌کند.

افزایش نرخ فقر و کاهش توان خرید مردم: کاهش قدرت خرید مردم می‌تواند موجب افت تقاضا برای محصولات و خدمات استارت‌آپ‌ها شود، به‌ویژه در بخش هایBYC.

۷. مسائل فنی وزیرساختی

عدم دسترسی به فناوری‌های پیشرفته: برخی از استارت‌آپ‌ها به‌ویژه در